



خاوران ۱۳۸۳ - یاد شهیدان دلاور خلق گرامی باد!

ادامه در صفحه ۲

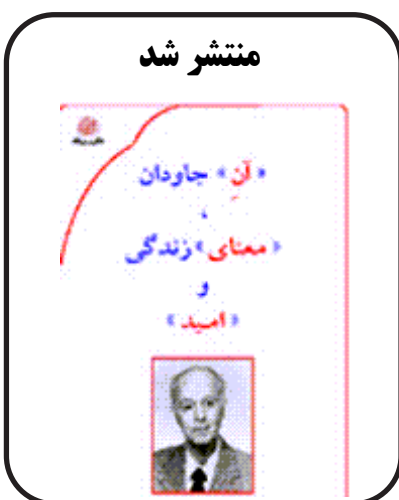
به یاد آن ایمان های خاراين به مناسبت شانزدهمین سالگرد فاجعه ملی

بنگر که سرگذشت شهیدان عشق را
به برگ گل به خون شقایق نوشته اند
۵-۱- سایه

با وزش نخستین بادهای پاییزی،
شانزدهمین سالگرد قتل عام زندانیان
سیاسی که از سوی حزب ما به حق
فاجعه ملی نامیده شده را پشت سر می
گذاریم.
در آن روزهای سیاه، سران رژیم



شماره ۶۹۴، دوره هشتم
سال بیستم، ۱۰ شهریور ۱۳۸۳



چگونه منافع ملی قربانی می شود
در صفحه ۴

حرف اول و حرف آخر

در ماه های پیش از خرداد ۱۳۷۶،
یعنی گرما گرم مبارزه تند انتخاباتی، سید
محمد خاتمی در سخن رانی های مختلفی
از حرکت به سمت جامعه مدنی و استقرار
حکومتی مردم سالار سخن می گفت. وی
در همان دوران نیز معتقد بود که می توان
به آزادی و جامعه مدنی در چارچوب
رژیم ولایت فقیه دست یافت. البته خاتمی

ادامه در صفحه ۳

تأملی بر رویدادهای ماه های اخیر ایران

انتخابات مجلس هفتم عرصه تمرین نهائی برای برنامه های آتی ارتجاع

تدارک وسیع برای خاتمه دادن به کار دولت عماد بی اختیار خاتمی، برگزاری انتخابات
آینده ریاست جمهوری و تسویه حساب وسیع با منتقدان هفت سال گذشته با شدت بیشتری در
جریان است. در این میان بخش های عمده بی از نیرو های سیاسی عضو «جبهه دوم خرداد»
همچنان با تکرار مکررات و سیاست های شکست خورده و سوخته عماد به خاک پاشیدن در چشم
جنبش و دلخوش کردن مردم و نیروهای اجتماعی به سیاست هایی مشغولند که از هم اکنون بی
آیندگی آن روشن است.

جدی برای مرتجعان حاکم ایجاد کرده بود.
ارتجاع در پی تجربه انتخابات شوراهای شهر و
روستا که طی آن توانست با آرای ناچیزی
کنترل شهر های مختلف، از جمله شورای شهر
تهران را به دست بگیرد به این نتیجه رسیده بود
که پایگاه اجتماعی خاتمی و هواداران او به دلیل
هفت سال مماشات، سازش کاری، بی عملی و
زیر پا گذاشتن همه قول های داده شده به شدت
ضعیف شده و جنبش مردمی نیز پس از دوران
اوج نسبی سال های ۷۶-۸۰ دوران رکود خود را
طی می کند. بدین ترتیب محور خامنه ای -
رفسنجانی و همه نیروهای مدافع استبداد با
هماهنگی کامل زمان را برای تثبیت و تحکیم
«سیاستی دیگر» مناسب دیدند. سیاست «نمد مالی
دولت اصلاحات» یعنی بحران تراشی، مانع ایجاد
کردن، تهدید و تحبیب خاتمی و همراهان او

مجموعه رویدادهای ماه های اخیر، تنش
های پرشتاب داخلی و حوادث خطرناک در
همسایگی مرزهای ایران، به درستی نگرانی های
جدی همه نیروهای علاقمند به سرنوشت میهن
را برانگیخته است.

در بررسی رویدادهای ماه های اخیر، بی
شک برخورد با برگزاری هفتمین دوره
انتخابات مجلس شورای اسلامی به عنوان نقطه
عطفی در تعیین و سمت گیری حوادث بعدی
ضرور به نظر می رسد. روند برگزاری هفتمین
دوره انتخابات مجلس و به میدان آمدن شورای
نگهبان ارتجاع، با چراغ سبز ولی فقیه، برای
حذف وسیع چهره های مخالف، و اعلام «عدم
صلاحیت» هزاران نامزد انتخاباتی (از جمله
شمار زیادی از نمایندگان منتخب مجلس
ششم) اعلام آغاز یورش وسیع و آشکار
ارتجاع برای تغییر اوضاعی بود که از دوم
خرداد ۱۳۷۶، «بحران ها» و مزاحمت های

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

بدرود رفیق مرتضی

رفیق مرتضی خوشنودی معروف به «رضا کرمانشاهی» پس از ۴ سال ابتلا به بیماری سرطان در گذشت. رفیق مرتضی که از نوجوانی شاهد درد و رنج زحمتکشان دیار خود بود، خیلی زود پای به میدان مبارزه گذاشت و از عنفوان جوانی به صفوف هواداران و سپس اعضای حزب توده ایران پیوست. پس از یورش خائنانه گزمگان رژیم ولایت فقیه به سازمان های حزبی در سال ۱۳۶۲، او فعالیت خود را به شکل مخفی ادامه داد و در سال ۱۳۶۳ ناچار به مهاجرت گردید. در مهاجرت نیز رفیق مرتضی از زمره رفقائی بود که به طور پیگیر مجری رهنمودهای حزبی و دائما داوطلب ادامه کار مخفی در ایران بود. طی سال های اخیر رفیق مرتضی به بیماری های گوناگون و از جمله به بیماری سرطان مبتلا گردید و ۴ سال آخر عمر خود را با شکیبائی و متانت با این بیماری گذار درگیر بود و نهایتا در سن ۴۵ سالگی در مرداد ماه سال ۱۳۸۳ در میان اندوه خانواده و رفقا و دوستانش در گذشت. یاد رفیق مرتضی گرامی باد

ادامه همه پرسی ونزوئلا...

شده است. چاوز مدام «انقلاب بولیواری» خود را یک حرکت ضد امپریالیستی می خواند و در کنفرانس ها و نشست های بین المللی سیاسی و اقتصادی، رهبران و مردم کشورهای ستم دیده را به مقابله با سیاست های تحمیلی آمریکا تشویق می کند. در امتداد این سیاست ها، ونزوئلا روابط نزدیک سیاسی و اقتصادی با کوبا برقرار کرده است و از کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب خواسته است تا با ایجاد بلوک اقتصادی مجزا از سیاست های آمریکا و کنترل بر روی منابع طبیعی و اقتصادی خود، آلترناتیو قدرت مندی را در برابر سیاست های واشنگتن و وال استریت، تشکیل دهند و خود را از کنترل و تسلط آنها خارج سازند. این ها دلایلی است که دشمنی کینه توزانه آمریکا و کلان سرمایه داران داخلی ونزوئلا را علیه دولت هوگو چاوز برانگیخته است. همچنان که در کوبا، برای بیش از چهل سال مردم پشتوانه انقلاب و عامل اصلی مقابله با تهدید های آمریکا بوده اند، در ونزوئلا نیز مردم با آگاهی از ماهیت مردمی انقلاب خود، به دفاع از آن پرداخته اند. سیاست های خارجی هوشمندانه و متکی به برخورد سیاسی دولت نیز راه هر گونه مداخله و برخورد نظامی را می بندد و به جنبه دیگری از مقابله با سیاست های جنگ طلبانه و تحمیلی آمریکا در آمریکای لاتین تبدیل شده است.

آزادی برای همه

زندانیان سیاسی ایران!

ادامه به یاد شهدای فاجعه ملی ...

ولایت فقیه به دستور خمینی و با مشارکت مستقیم خامنه ای و رفسنجانی، آن هنگام که اراده و خواست صلح جوانانه مردم ایران بر عطش جنگ طلبی شان چیره شد، برای حفظ نظام و درهم شکستن روح مبارزه و مقاومت در جامعه دست به جنایتی فراموش نشدنی زدند.

از آن روزهای خوف و خطر که هر صبح با اشک خون طلوع می کرد و تاریک اندیشان با ترس و بزدلی در سلول های زندان، داس مرگ بر کشتزار فرهنگ و سنن مترقی مردم می زدند و از دیگر سو، پویندگان رویین تن روشنایی، ارباب رانان خورشید زندگی بخش گردن فراز و دلیر، قلب سرخ خود را به نسل های فردا هدیه می کردند، شانزده سال می گذرد! رفسنجانی، خامنه ای و دیگر جنایتکاران این فاجعه ملی، با کشتار زندانیان سیاسی گمان داشتند یکبار و برای همیشه به جنبش و مبارزه پایان داده، سنن انقلابی و آرمان های انسانی شریف را در گور تنگ دفن کرده اند! اما با گذشت اندک مدتی، بدرهایی را که قهرمانان شهید فاجعه ملی در پگاهان سرخ فام بر فراز این سرزمین کهنسال افشاندند، جوانه داد و رویداد به بار نشست. آرمان های یاران شهید ما در بهار زندگی شکوفه های پررنگ و چشم نواز داد. نسلی نو از مبارزان پا به عرصه نبرد گذاشتند و علیرغم اوضاع نامساعد زمانه، با غرور رژیم ولایت فقیه را به مصاف تلیدند.

گویی هر چه بیشتر از آن روزها که با اشک و خشم و درد و رنج و خون آمیخته است، فاصله می گیریم، اعتبار و ارزش و جایگاه تاریخی یاران قهرمان ما، بیش از گذشته هویدا می شود. خون جوان و سرزنده آنان در شریانهای جامعه روان گشته و در هر کوی و برزن بهترین فرزندان میهن را به تکاپو و جنبش فرا می خواند.

انقلابیون قهرمانی که در جریان فاجعه ملی با ایمان به حقیقت به سوگند نخستین خود وفادار ماندند؛ اوج پر شکوه و خیره کننده ای از باور خدشه ناپذیر انسان آرمان خواه به پیروزی نور با تاریکی را به نمایش گذاردند. گرچه اکنون در این کرانه از آنان نشانه نیست و رژیم واپس مانده فقها، جنبش مردمی را از رهبران برجسته و کادرهای مجرب خود محروم ساخته است، اما زندگی، رزم و شهادت آنان بدون ذره ای تردید، نقش بنیادین و انکارناپذیر در تکامل معنوی جامعه ایران و احیاء و گسترش ارزش های مردمی و انقلابی و تجهیز و پرورش نسل نو مبارزان ایفا کرده و خواهد کرد. از سپیده دم مه آلودی که مزدک و مزدکیان در گور عدل نوشیروانی زنده به گور شدند تا غروب خون آلودی که، بابک خرمدین در بارگاه خلیفه تازی، روی با خون سرخ خود شست و از آن غروب تا بامداد سرخگون که قهرمان ملی ایران خسرو روزبه تیرباران شد و تا شهادت گرد تسلیم ناپذیر توده ای عباس حجری در جریان فاجعه ملی همواره ظنین پرشکوه فریاد انسان آرمان خواه به سود حیثیت انسانی به سود عدالت و خوشبختی و به سود حقیقت به گوش می رسد.

حزب توده ایران که در جریان فاجعه ملی شمار بزرگی از رهبران، کادرها و اعضا و هواداران خود را از دست داده، همراه با خانواده و بستگان قهرمانان سربلند میهن، خواستار پیگیری و رسیدگی به این جنایت فراموش نشدنی است. ما به همراه بازماندگان شهیدان فاجعه ملی خواستار روشن شدن:

۱. اسامی اعدام شدگان شهریور خونین بطور رسمی؛
۲. تاریخ اعدام و محل خاکسپاری شهیدان مردم؛
۳. دلایل محاکمه مجدد و به دستور کدام مقامات این زندانیان سیاسی اعدام شده اند و اعلام جرمی که بر اساس آن اعدام صورت پذیرفته، هستیم

ادامه حرف اول و حرف ...

در این زمینه تنها نبود، بودند نیروهای سیاسی دیگری که ضمن دفاع از نظریات او معتقد بودند که می توان با استحاله ساختار کنونی به چنین خواست هایی دست یافت. در هفته گذشته سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری در مصاحبه مطبوعاتی که با رسانه های داخلی و بین المللی انجام داد، برخی جمع بندی ها را از عملکرد دولت خود ارائه داد که قابل تأمل است. این سخنان خاتمی از این لحاظ نیز جالب است که دولت او این روزها دولتی است کاملاً بی اختیار که حتی اتوموبیل های مشاوران و نزدیکان او توسط دستگاه های امنیتی وابسته به ولی فقیه شنود گذاری می شود و بخشی از وزیران دولتش در صف استیها منتظر سرنوشت نامعلوم خویشند.

خاتمی در بخشی از این مصاحبه مطبوعاتی در توضیح دیدگاه های نظری خود و با اشاره به تقابل میان دو دیدگاه متفاوت در اسلام اظهار داشت: «تقابل ما دیدگاه های تنگ و واپسگرایی است که انقلابی بودن و اصولی بودن را در نفی هرچه نو است، می دانستند و به نام خدا، خود را ارباب مردم می دانند و از دست زدن به هرگونه کشتار و خشونت نیز ابایی ندارند. ما منادی اسلامی هستیم که با آزادی انسان، حقوق بشر و پیشرفت جامعه سازگار است...» خاتمی در پاسخ به سووال خبرنگاری در خصوص علت رعایت خط قرمزها توسط رییس جمهوری، گفت: «بارها اعلام کرده ام که خط قرمز بنده، اصل نظام است که لطمه نبیند و تلاش برای اصلاحات. آمدن من در درون جمهوری اسلامی بود و من نیامده بودم که جمهوری اسلامی را عوض کنم و جامعه را دچار تنش کنم... حرکت من در چارچوب نظام و برای اصلاحات در درون نظام بود و نه بر هم زدن آنها.» خاتمی گفت: «معتقد نبودم که یک رییس جمهوری حق دارد به صورت اپوزیسیون یک نظام در عرصه حضور داشته باشد. یک انسان حق دارد اپوزیسیون باشد و حق دارد که حتی بنیاد یک نظام را نقد کند اما حق ندارد که به درون نظام بیاید و با استفاده از ساز و کارهای قانونی بخواهد اپوزیسیون بشود.» خاتمی در ادامه همین سخنان در پاسخ به پرسشی در خصوص تشکیلات موازی امنیتی و اطلاعاتی در کشور گفت: «یک دستگاه اطلاعاتی متمرکز و پاسخگو بیشتر وجود ندارد و آن وزارت اطلاعات است. البته بخشهای مختلف در حیطه وظایف خاص خود حق دارند که کار اطلاعاتی بکنند اما عبور از آن حیطه خصوصی و ورود در حیطه عمومی اطلاعات جرم است و غیر قابل بخشش است. ما همواره بر این مساله پافشاری کرده ایم و ادعا نمی کنم که حرکت های موازی اطلاعاتی در کشور وجود ندارد ولی همواره با آن برخورد شده است...»

خاتمی در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به سئوالی درباره شعار توسعه سیاسی و بسط آزادی های مدنی و ناکام بودن در تحقق شعارها گفت: «معمولاً در هفته دولت بیشتر گزارش های اقتصادی، صنعتی و تولیدی داده می شود و امسال هم بر این روال ادامه یافت بخصوص اینکه این دولت متهم بود که در زمینه مسایل اقتصادی ناکام است. اقتصاد یک کشور پشتوانه موجودیت یک کشور است و ما اگر فعالیتهای فرهنگی و سیاسی هم بخواهیم در یک جامعه عقب

مانده نمی توانیم آنها را تحقق بخشیم.» وی خاطر نشان کرد: «تقدم یک موضوع توسعه بر انواع دیگر توسعه کار غلطی است. توسعه یک امر جامع است که ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد. خاتمی گفت: پیشرفت اقتصادی جز با گسترش مردم سالاری پایدار نخواهد شد همچنان که مردم سالاری در یک جامعه فقیر و در مانده به یک تفنن تبدیل خواهد شد و هیچ توسعه سیاسی و اقتصادی نخواهد بود مگر اینکه در زمینه توسعه علمی پیشرفت داشته باشیم. من فکر نمی کنم که از شعارهای سیاسی خود دست کشیده باشم، گرچه فضای جامعه ممکن است دیگر کمتر این مسایل را بشنود. روزی هر چه می گفتیم، سیاسی شنیده می شد و امروز هر چی می گویم اصلاً شنیده نمی شود، نه حرف من و نه حرف دیگران و نیز از روزنامه هایی که مدعی طرفداری از اصلاحات هستند. باید بگویم که چرا حساسیتهای خود را از دست داده اند... معتقدم هر دو کابینه من در زمینه مسایل سیاسی و اقتصادی و بین المللی نسبتاً خوب کار کرده است البته ناکامی هایی هم داشته ایم.» خاتمی خاطر نشان کرد: «من در تحقق شعارهایم اگر آرمانی در نظر بگیرم هنوز خیلی جا دارد که تحقق پیدا کند، در بعضی مسایل ناکام بودیم، در بعضی مسایل دستاورد مهمی نداشته ایم، اما در این که من همچنان به شعارهایم پایبند هستم، تغییری در من ایجاد نشده است و معتقدم که روند کلی با آنچه در عمق جامعه ما ظهور و بروز پیدا می کند به سوی تحقق نسبی و تدریجی شعارهاست.»

خاتمی در بخش پاسخ به سئوال درباره انرژی هسته ای و برنامه ایران در این زمینه و همچنین اوضاع منطقه و خصوصاً در زمینه حمله احتمالی آمریکا به ایران، اظهار داشت: «آمریکا لازم نیست به ایران حمله کند، آن بچه ای را که در عراق زاییده است، آن را بزرگ کند. خاتمی اقدام نظامی آمریکا علیه عراق را با هزینه کردن پول مالیات هایی که مردم آمریکا به دولت این کشور می دهند، به عنوان یک عمل نادرست نام برد و گفت: اقدامات آمریکا باعث شده است که این کشور پایگاه خود را در میان افکار عمومی دنیای اسلام روزبه روز بیشتر از دست بدهد. فکر می کنم آنها هنوز این اندازه عقل دارند که تجربه ناموفق خود در عراق را تکرار نکنند، تجربه ای که در ایران بسیار ناموفق تر خواهد بود...»

آقای خاتمی در این سخنان روشن نکرد که در چه بخش از برنامه خود برای تحقق یک حکومت مردم سالار موفق بوده است و مهمتر آنکه با توجه به تجربه اندوخته شده هفت سال گذشته، به جز محافل غیبی که برای او اشکال تراشی و بحران ایجاد کرده اند اشکال کار را در ناکام ماندن برنامه های خود در کجا می بیند. نکته جالب در سخنان خاتمی اشاره به این مساله است که سخنان امروزین او دیگر نه بردی در جامعه و نه در جایی خریداری دارد. شاید علت اساسی این مساله در این باشد که حرف اول او (یعنی برداشت های خوشبینانه اش در خرداد ۷۶) و حرف آخرش هنوز یکی است و در این میان مردم تجربیات گرانبهائی دیگری اندوخته اند!!

چگونه منافع ملی قربانی می شود

رژیم ولایت فقیه، اصل حفظ نظام به هر شکل ممکن را به مثابه مهمترین اولویت سیاست امنیت ملی خود در برابر اصل تامین منافع ملی ایران قرار داده و با ماجراجویی و حادثه آفرینی می کوشد، بقاء خود را با قربانی کردن منافع ملی تضمین نماید!

تحولات پرشتاب و بسیار گسترده در منطقه فوق العاده پراهمیت خاورمیانه و حوزه خلیج فارس، بیش از پیش رخ دادهای میهن ما را تحت تاثیر خود قرار داده است. اشغال عراق و حوادث دردناک ناشی از آن، اینک به یکی از مهمترین و جدی ترین مسایل در روابط میان کشورهای منطقه و بویژه میهن ما ایران بدل شده است.

ایران در نقشه امپریالیسم برای منطقه جای ویژه ای را داراست. تهدیدهای آشکار و نهان آمریکا و متحد اصلی آن در خاورمیانه یعنی اسرائیل علیه کشور ما امری نیست که بتوان به سادگی از آن گذشت. ارتجاع حاکم در ایران بدون در نظر گرفتن منافع ملی و حقوق مردم، در این دوران توفان زا و فوق العاده خطرناک دست به اقداماتی خطر آفرین و ماجراجویانه زده است که عواقب منفی بسیار مخربی در پی خواهد داشت. از جمله این گونه اقدامات و حرکات که با هدف نظامی کردن حیات کشور و برقراری آرامش گورستانی صورت می گیرد، سخنان غیر مسئولانه و تحریک آمیز پاسدار علی شمخانی در مقام وزارت دفاع است. وی اخیراً در مصاحبه ای با شبکه خبری عرب زبان الجزیره گفت: ... بعضی از نظامیان در ایران اعتقاد دارند، عملیات پیش دستانه الگویی نیست که آمریکایی ها طراحی کرده باشند یا دنیا تجربه آن را نداشته باشد شمخانی سپس ادامه داد: بعضی در بین نظامیان ایران اعتقاد دارند با احساس خطر، باید عکس العمل نشان بدهیم. بعضی دیگر معتقدند اگر اقدامی صورت گرفت باید بی درنگ با تمام موجودیت به آن پاسخ دهیم.

این سخنان، حاکی از آنست که فرماندهان سپاه پاسداران با اشاره ولی فقیه و ذوب شدگان در ولایت تصمیم دارند، دامنه ماجراجویی های خود را وسعت بخشیده و از این رهگذر در راستای سیاست حفظ نظام حرکت کنند.

گرچه سخنان پاسدار شمخانی به سرعت از سوی سخنگوی وزارت امور خارجه محمدرضا آصفی تکذیب شد و سخنگوی وزارت خارجه اعلام داشت: مصاحبه شمخانی با الجزیره دقیق و درست منعکس نشده و برداشتهای نادرستی از آن صورت گرفته. اما با این وجود نباید هدف ارتجاع را به دست فراموشی سپرد.

در همین خصوص روزنامه شرق به تاریخ دوشنبه ۲ شهریور ماه سال جاری خورشیدی به نقل از خبرگزاری فارس، گزارش داد: جانشین فرمانده سپاه پاسداران با اشاره به توانمندی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، گفته است: اطمینان داریم که کشور آماده پاسخگویی به هر گونه تهدید با هرمیزان شدتی است ... اقدامات و فعالیت های جاری سپاه در راستای پیگیری آمادگی دفاعی است که، شامل آمادگی های گوناگون از قبیل امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی است.

این پاسدار در پایان بار دیگر ادعا کرد: قدرتمند شدن عامل بازدارندگی است.

پرواضح است، فرماندهان سپاه به خوبی از پوچ بودن ادعاهای خود با خبرند، تبلیغات پُر سرو صدا پیرامون آمادگی رزمی و انجام رزمایش های گوناگون با تعدادی بسیجی اجیر شده، صرفاً و صرفاً مصرف داخلی دارد و به هیچ رو نمی تواند نشانه آمادگی از نقطه نظر نظامی تلقی گردد.

آنچه امروز در صحنه سیاسی کشور چشم گیر و قابل تامل می باشد حضور پاسداران چه در جامه نظامی و چه با ظاهر غیر نظامی است. موضعگیری های سپاه در مسایل سیاسی کاملاً در نقطه مقابل منافع ملی ایران در اوضاع بغرنج و حساس کنونی قرار دارد. خطراتی که از این ناحیه میهن ما را تهدید می کند روشن و انکار ناپذیر است. سخنان شمخانی و پیش از آن اظهارات تحریک آمیز رییس اداره سیاسی سپاه پاسداران و ماجراجویی هایی از این دست ناظر بر تشدید جو اختناق در داخل با هدف تامین منافع طبقات غارتگر و نوکیسه های بر کرسی قدرت تکیه زده است.

اقدامات تحریک آمیز به همین جا ختم نمی شود. رفسنجانی که بی شک سر نخ بسیاری از مواضع و رفتار فرماندهان سپاه به او منتهی می شود، اخیراً با توجه به اوضاع بحرانی عراق و درگیری های شدید و سنگین در شهر نجف یعنی درست در وضعیتی که باید به منافع ملی کشور اندیشید و در جهت تعدیل خصومت با دیگر طرفهای بحران بر آمد و تا آنجا که می توان سایه جنگ و تجاوز نظامی و دخالت بیگانه را از کشور دور ساخت، موضعگیری پرشش برانگیز و خطرناکی داشته است. رفسنجانی در جریان همایش هفته جهانی مساجد در مصلاهی خمینی با تاکید و پافشاری خاطر نشان نمود: حمله آمریکایی ها به نجف تصادفی نیست صدام با تمام لشکر یانش ۲۰ روزه سقوط کرد، اما نجف با تعدادی جوان مومن دو هفته است که مقاومت می کند و این حاکی از پیامی الهی است!

این سخنان را در کنار ادعاهای اخیر سرلشکر حسن فلاح النقیب وزیر کشور کنونی عراق قرار دهید. این مقام عراقی چندی پیش مدعی گردید: دلایلی در دست است که نشان می دهد ایران در اقداماتی که به ضرر مصالح عراق است، نقش آفرینی می کند ...

آیا این مقایسه نشانگر ژرفای رفتار و عملکردی غیر مسئولانه برای میهن ما نیست. رفسنجانی در شرایطی چنین موضعگیری را اعلام می کند که امپریالیسم در صدد است با بهره گیری از ماجراجویی های رژیم ولایت فقیه، هم دامنه اقدامات خود را به داخل ایران بکشاند و هم فضای منطقه را بحرانی تر سازد و بر ضرورت حضور نیروی نظامی خود تاکید نماید!

کوتاه سخن: موضعگیری تحریک آمیز رفسنجانی و فرماندهان سپاه پاسداران منافع ملی ایران را در اوضاع حساس منطقه به چالش می گیرد. خطراتی که این مواضع برای مردم و میهن ما به دنبال دارد، بر هیچ نیروی راستین راه آزادی پوشیده نیست. از این رو نیروها، احزاب و سازمان های مترقی و میهن پرست باید متحد و یکپارچه به مقابله با این برنامه ضد ملی برخیزند.

همه پرسى ونزوئلا، پیروزی زحمتکشان،

پیروزی دموکراسی خلقی

روز دوشنبه ۲۶ مردادماه، نتیجه همه پرسى ونزوئلا برای برکناری و یا ابقای « هوگو چاوز»، اعلام شد. در این همه پرسى، که با استقبال بی سابقه زحمتکشان کشور همراه بود، مردم ونزوئلا بار دیگر از چاوز و دولت مردمی او به دفاع پرداختند و تلاش آمریکا و حامیان داخلی آن را برای سرنگونی رئیس جمهور انتخابی کشور به شکست کشاندند. شکست تلاش «صاحب منصبان» قبلی برای سرنگونی دولت چاوز، در هم شکستن «انقلاب بولیواری» و به بن بست کشیدن روند دموکراسی در ونزوئلا، نه تنها یک پیروزی چشمگیر برای مردم ونزوئلا و آمریکای لاتین بود، بلکه موفقیتی شگرف برای تمامی مردم دنیا نیز به شمار می آید. مردمی که علیه سیاست های مسموم سیاست گذاران حاکم آمریکا برای به دست گرفتن سرکردگی جهان مبارزه می کنند. پس از شکست کودتای فروردین ماه دوسال قبل و به دنبال آن سازماندهی اعتصاب فلج کننده طولانی در صنعت نفت توسط محافل راستگرا، که سبب ایجاد رکود و افزایش نارضایتی ها در کشور شد، این تازه ترین تلاش نیروهای ضدانقلابی با همیاری و شرکت مستقیم آمریکا، برای برکناری هوگو چاوز بود. همه پرسى اخیر در واقع سند معتبری برای نشان دادن رشد آگاهی سیاسی مردم ونزوئلا در سال های اخیر بود. در سال ۱۹۹۸ چاوز با به دست آوردن ۳/۶۷ میلیون رای (۵۶/۲ درصد)، به قدرت رسید. در انتخابات زودرس دو سال بعد این رقم به ۳/۷۵ میلیون (۵۹/۷ درصد) بالغ شد و در همه پرسى اخیر نیز بیش از ۵/۵ میلیون نفر (۵۹/۰۶ درصد) به چاوز رای دادند.

پس از اعلام نتیجه همه پرسى، چاوز در نطقی اظهار داشت که مردم با «نه» قاطع خود به بازگشت به گذشته، به زمانی که سیاست مداران بی لیاقت و ضد مردمی و سرسپردگان امپریالیسم، ونزوئلا را به یکی از فاسدترین کشورهای دنیا تبدیل کرده بودند، «نه» گفته اند. دولت چاوز در شش سال گذشته با پیش گرفتن سیاست های مردمی، تلاش کرده است تا قدرت سیاسی واقعی را به دست مردم باز گرداند و در همین راستا نیز سرمایه گذاری های قابل توجهی را در زمینه های اجتماعی و خدمات عمومی، به ویژه در زمینه بهداشت و تحصیل، سازمان داده است. آنچه که دولت های پیش از او نه تنها کاری در این موارد انجام ندادند، بلکه بنا به نسخه های تجویز شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، به موازات تاراج سرمایه های کشور، با کاهش بودجه های مصارف عمومی گرسنگی و فقر و بیماری برای زحمتکشان به ارمغان آوردند.

در این شش سال، نیروهای اپوزیسیون راستگرا و ارتجاعی، با پشتیبانی آمریکا، تلاش کردند تا با دست زدن به هر گونه اقدامی، حکومت منتخب و مردمی «چاوز» را سرنگون کنند. اما به رغم چنین تلاش هایی، نیروهای اپوزیسیون همواره با شکست روبرو شده اند. سرنگون کردن دولت چاوز که پرچمدار حمایت از زحمتکشان و منافع توده های عظیم فقیر و بی بضاعت کشور شده، برای آمریکا از اهمیت فراوانی برخوردار است. با روی کار آمدن چاوز، درآمد نفت، این بزرگترین و پراهمیت ترین صنعت ونزوئلا و منبع اصلی در آمد کشور، از دست کلان سرمایه داران کشور خارج شده و از طرف دولت در خدمت خلق قرار گرفته است. از سوی دیگر قیمت نفت صادره به آمریکا نیز در تناسب با قیمت آن در بازار جهانی تعیین شده است.

پیش از چاوز، مردم کشور هرگز از در آمدهای نفتی سهمی نداشتند و نفت با قیمتی ارزان در اختیار آمریکا قرار می گرفت. لازم به تذکر است که ونزوئلا تامین کننده بیش از ده درصد از واردات نفتی آمریکا است. از دست دادن چنین منافع عظیمی، آمریکا و حامیان آن در ونزوئلا را به تکاپو انداخته است تا این منافع از دست رفته را به هر شیوه غیر قانونی و غیر دموکراتیک و البته تحت نام «برقراری دموکراسی»، باز پس بگیرند. اما دولت چاوز تا کنون با تکیه به پشتیبانی مردم

زحمتکش این کشور، به ویژه اقشار فقیر و کم درآمد جامعه، تمامی این تلاش ها را با دموکراتیک ترین شیوه ها، به شکست کشانده است.

در این مدت، دولت چاوز با تشکیل واحدهای مردمی، موسوم به «واحد های بولیواریایی»، به سازمان دهی در میان مردم پرداخته است، مردمی که علیرغم فشار های اقتصادی، به دلیل خراب کاری های اقتصادی رهبری شده از سوی آمریکا، به خوبی درک کرده اند که سیاست های دولت چاوز در راه تامین منافع آنهاست. دولت نیز در مورد مسایل مهم و کلیدی همیشه به مردم مراجعه کرده و آنها را به صحنه فرا خوانده است. سیاست موفق که اعتماد متقابل را بین مردم و دولت به وجود آورده است. علاوه بر سیاست های مردمی در داخل کشور، ونزوئلا در صحنه بین المللی نیز تغییرات جدی در روابط خود با کشورهای دیگر به وجود آورده است. دولت ونزوئلا در جمع کشورهای مخالف سیاست های نئولیبرالیستی امپریالیسم آمریکا قرار گرفته و روابط نزدیکی را با کشورهای مترقی و انقلابی، به ویژه کوبا، برقرار کرده است. این امری است که خشم مفرط آمریکا را باعث

ادامه در صفحه ۲

شادباش به مردم ونزوئلا

رفیق اسکار فیگوئرا، دبیر کل حزب کمونیست ونزوئلا، کاراکاس، جمهوری بولیواری ونزوئلا

رفیق اسکار عزیز

حزب توده ایران به جشن شادی مردم ونزوئلا به مناسبت پیروزی «نه» قانع کننده مردم در فراندوم ونزوئلا می پیوندد. لطفاً شادباش های ما را به مناسبت این پیروزی پرطنین در فراندوم روز ۲۵ مردادماه بپذیرید.

نتیجه فراندوم «نه» صریح مردم به مداخلات ایالات متحده در شرایط داخلی کشور شما را اعلام کرد، «نه» ای به عملکرد خیانت بار نیروهای راست و ارتجاعی را. مردم ونزوئلا یک بار دیگر به ادامه دموکراتیزاسیون در ونزوئلا، در حمایت از سیاست خارجی مستقل و مترقی، و برای سیاست های به نفع زحمتکشان رای دادند. نتیجه چشمگیر فراندوم ونزوئلا شاهی است بر قدرت مردم و پیروزی ای برای همه آنانی که برای آزادی ملی، صلح، حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی می رزمند.

لطفاً شادباش های ما و همبستگی برادرانه ما را به تمامی نیروهای مترقی و میهن پرست ونزوئلا ابلاغ کنید. حزب توده ایران همبستگی برادرانه خود با مردم ونزوئلا را اعلام کرده و خواستار احترام به حق حاکمیت ملی و انتخاب مردم آن دارد.

با درودهای انقلابی

شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب توده ایران
مردادماه ۱۳۸۳

ادامه تأملی بر حوادث ماه های اخیر ...

جای خود را به سیاست یورش آشکارتر و با خشونت بیشتر داد. ارتجاع به خوبی آگاه بود که به هدر رفتن توان جنبش مردمی در باتلاق سیاست های مخربی همچون «آرامش فعال» و غیره زمینه های مقاومت فعال و وسیع در برابر تهاجم آنها را به شدت تضعیف کرده بود. بر همین اساس بود که روند آنچنانی «انتخابات» که به درستی آن را باید قلدری بی پروای ارتجاع برای تصاحب کامل مجلس نامید در شورای نگهبان ارتجاع تدارک دیده شد و با اتکاء به تهدیدهای فرماندهان سپاه، تهاجم روزانه گروه های مسلح و نیمه مسلح، وابسته به دستگاه های امنیتی زیر نظر ولی فقیه، برای گسترده شدن جو ارباب و جلوگیری از شکل گیری مقاومت وسیع مردمی، به سرانجام مطلوب ارتجاع انجامید. کمیته مرکزی حزب ما در همان ایام در اعلامیه ای که در این زمینه صادر کرد، از جمله متذکر شد: «حزب ما همان طور که در اطلاعیه های پیشین خود درباره انتخابات مجلس هفتم اعلام کرد، معتقد است که، یورش آشکار شورای نگهبان به روند برگزاری انتخابات، با هماهنگی و توافق سران رژیم در عالی ترین سطوح تدارک و سازمان دهی شده است. هدف از این یورش یک سره کردن کار نیروهای اصلاح طلب که هنوز به مواضع خود پایبند هستند، برکناری و یا وادار کردن دولت خاتمی به سازش کامل و بی چون و چرا، و در واقع، تکمیل کودتای خزنده بی است که از همان فردای پیروزی بزرگ مردم در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ آغاز شد. ...» (به نقل از «نامه مردم»، شماره ۶۷۹، ۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۲).

روند برگزاری انتخابات مجلس هفتم و خشونت آشکار ارتجاع در لگدمال کردن حقوق کسانی که «نیروهای خودی» محسوب می شدند شکست قطعی آن نظریه بی بود که مدعی بود می توان در چارچوب رژیم ولایت فقیه به آزادی و یا حتی «مردم سالاری اسلامی» دست یافت. تحریم وسیع انتخابات از سوی اکثریت قاطع واجدین شرایط و آرای ناچیز منتصبین شورای نگهبان که به مجلس راه یافتند، گواه این واقعیت بود که ارتجاع حاکم تنها به پایگاه اجتماعی بسیار محدودی متکی است و عمدتاً با تکیه بر نیروی زور و استفاده از ابزارهای مناسبی که «قانون اساسی» در اختیارش قرار داده است به حیات ضد مردمی خود ادامه می دهد.

عملاً انتخابات هفتم عرصه تمرین نهائی برای آغاز روند اجرای برنامه های بعدی یعنی آماده کردن زمینه برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آینده و در انتها یکدست کردن حاکمیت بود که در پی دوم خرداد ۱۳۷۶، با بحران و خطرات جدی روبه رو شده بود. روشن بود که با از بین رفتن امکان محدود مجلس برای طرح مسایل و ایجاد فشار، تاریک اندیشان حاکم بتوانند با راحتی بیشتری یورش گسترده بی را برای جلوگیری از امکان حیات و فعالیت های نیروهای منتقد آغاز کنند. یورش به مطبوعات، بستن روزنامه های مدافع اصلاحات، فیلتر گذاری بازهم گسترده تر و بستن پایگاه های خبری اینترنتی، بالا گرفتن موج جدیدی از دستگیری ها و شکنجه و آزار منتقدان رژیم به منظور پرونده سازی های گسترده برای حرکات سرکوب گرانه بعدی و تدارک غیر قانونی کردن همه احزاب و گروه های «خودی» بی که حاضر نباشند در چارچوب های تعیین شده ولی

فقیه حرکت کنند، همه بخش های تفکیک ناپذیر یک سیاست واحد برای بازگرداندن جامعه به دوران پیش از خرداد ۷۶ است. به بیان دیگر ارتجاع خواهان آنست که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری بعدی آنچنان فضایی حاکم باشد که در آن نه صدای مخالفی شنیده شود و نه حریفی در میدان باشد تا بتوان به قول هاشمی «انتخابات با نشاطی» را برای ارتجاع برگزار کرد و با یکدست کردن حاکمیت به ثبات «مطلوب» دست یافت.

تدارک وسیع برای خاتمه دادن به کار دولت عملاً بی اختیار خاتمی، برگزاری انتخابات آینده ریاست جمهوری و تسویه حساب وسیع با منتقدان هفت سال گذشته با شدت بیشتری در جریان است. در این میان بخش های عمده یی از نیروهای سیاسی عضو «جبهه دوم خرداد» همچنان با تکرار مکررات و سیاست های شکست خورده و سوخته عملاً به خاک پاشیدن در چشم جنبش و دلخوش کردن مردم و نیروهای اجتماعی به سیاست هایی مشغولند که از هم اکنون بی آیندگی آن روشن است. هیاهوی تبلیغاتی برای به میدان آوردن میر حسین موسوی که یکبار در گذشته آزمایش خود را داده است و رئیس دولتی بوده است که در دوران نخست وزیری او سرکوب خشن و خونین کم نظیر نیروهای مردمی را سازمان دهی و پیاده کرده اند، نشانگر سر در گمی نیروهایی است که انتظار تحولی جدی در فسیلواره رژیم ولایت فقیه دارند. نکته قابل تأمل دیگر در این عرصه این است که حتی اگر بر فرض بسیار ضعیف و نزدیک به محال ارتجاع اجازه شرکت در انتخابات را به موسوی بدهد و موسوی نیز در چنین انتخاباتی پیروز گردد، موسوی قرار است چه سیاستی را به جز آنچه خاتمی دنبال کرد، دنبال کند که مردم با خوشبینی به چنین سناریو سازی هایی نگاه کنند. آنچه حضرات جرات و تمایل بیان آن را ندارند این است که در چارچوب ادامه رژیم استبدادی نه تنها نمی توان آزادی را تحقق بخشید، بلکه حتی تحقق اصلاحات جزئی و ناچیز نیز سرنوشتی این چنین دارد.

شکست تجربه «استحاله» رژیم نشان داد که نمی توان با اتکاء به چارچوب هایی که ارتجاع تعیین کرده است اصلاحات اساسی و پایداری را در ایران پی ریزی کرد. تجربه دوم خرداد ۷۶ نشان داد که جنبش متحد مردمی، انبوه توده های میلیونی خلق توان عظیمی را با خود به همراه دارد که می تواند از سد های ایجاد شده استبداد عبور کند. این توان را باید دگر بار سازمان داد و این بار آن را برای ایجاد زمینه تحولی بنیادین در کشور به میدان آورد. ادامه رژیم ولایت فقیه در هر شکل و یا هر پوششی ثمری جز استبداد قرون وسطائی، بدبختی، محرومیت و ستم برای مردم میهن ما به همراه نخواهد داشت تنها با طرد این رژیم است که می توان راه را به سمت آینده گشود. این راه گشایی نیز ممکن نیست جز با اتحاد وسیع همه مبارزان ضد استبداد. تنها هنگامی که صف استوار کارگران کشور در کنار صفوف رزمندگان جوانان، دانشجویان و زنان قرار گیرد و از همبستگی و وفای دیگر قشرهای اجتماعی بهره مند باشد می توان ارتجاع را به زیر کشید و ایران را از بختک رژیم ولایت فقیه نجات داد. نباید اجازه داد ارتجاع برنامه های خود را بی مقاومت به پیش ببرد. جنبش مردمی با همه ضرباتی که متحمل شده است، با همه نگرانی ها و دلسردی هایی که سنگینی می کند هنوز از آنچنان توانی برخوردار است که می تواند تمام معادلات و حساب های ارتجاع را در هم ریزد. باید این توان را سازمان دهی کرد. تلاش مشترک همه نیروهای ملی و آزادی خواه در این زمینه می تواند ثمرات مهمی به همراه داشته باشد.

ادامه کنفرانس ملی عراق ...

مداخله و اتخاذ اقدامات ضرور برای تصحیح اوضاع، نتیجه این کوشش ها را به ضد آنچه ارتجاع اندیشیده بود، بدل کرد. حزب کمونیست عراق ضمن توجه دادن به ضعف های ارگانیک در پروسه سیاسی (به دلیل دهه ها حکومت دیکتاتوری)، بطور پیگیر همه نیروهای سیاسی و ارگان های مسئول را به ضرورت اتخاذ موضعی صریح و قدرتمند برضد اجحافات و تخلف ها فرا خواند. کمونیست های عراقی در استدلال خود به این امر که چنین عملکردی به تقویت گرایش های منفی در میان مردم نسبت به شرکت در امور سیاسی منجر می شود، اشاره داشتند.

روند تدارک و برگزاری کنفرانس بر رغم نواقص و کمبودهای آن که محصول شرایط بغرنج عراق و ادامه اشغال است، دربر دارنده تجربه مفید و آموزنده ای برای اعضا و سازمان های حزب کمونیست عراق بود که باید در مبارزات سخت و تعیین کننده برای آینده دموکراسی در کشور شرکت کنند. نتایج «کنفرانس ملی» همچنین پتانسیل واقعی نیروهای دموکراتیک را در صورت ادامه مبارزه اصولی و شفاف در دفاع از دموکراسی و حق مردم به شرکت در همه مراحل روند تعیین سرنوشت کشور نشان می دهد.

در کنفرانس بیش از ۱۰۰۰ نماینده و از جمله ۵۴۸ نماینده کنفرانس های محلی از ۱۸ منطقه عراق شرکت داشتند. معیار های انتخاب نماینده در کنفرانس های منطقه ای توسط یک کمیته عالی تدارکاتی ۱۰۰ نفره تدوین و مصوب شده بود. یک جنبه بسیار مهم کل این پروسه تضمین اختصاص حداقل ۲۵ درصد کرسی های نمایندگی کنفرانس و همچنین شورای ملی دوران گذار به نمایندگان زنان عراق بود. لیست نمایندگان کنفرانس حاکی از حضور ۷۰ حزب سیاسی در آن بود.

دستور کار اصلی کنفرانس انتخاب یک شورای صد نفره (پارلمان موقت) بود که نقش آن عمدتاً مشورتی عنوان شده است و وظیفه عمده آن نظارت بر عملکرد دولت دوره گذار (دولت کنونی به نخست وزیر ایاد علاوی) در دوره قبل از انتخابات سراسری در دی ماه است. بر طبق قرار قبلی ۸۱ تن منتخبان کنفرانس در کنار ۱۹ تن از اعضای شورای حکومتی سابق (که عضو دولت فعلی نیستند) شورای ملی گذار را تشکیل می دهند. «شورای ملی گذار» منتخب کنفرانس ملی دارای اختیارات محدودی در رابطه با قانونگذاری می باشد، مثلاً حق دارد در صورت مخالفت بیش از دو سوم اعضای آن با تصمیمات دولت آن ها را لغو کند. همچنین در کنار وظیفه نظارت بر عملکرد مالی دولت و تصویب بودجه سال آینده، این پارلمان دوره گذار حق گماردن وزرا برای پست هایی از کابینه دولت که خالی بماند، را دارد.

در ترکیب نهایی لیست ۸۱ نفره منتخب کنفرانس برای کرسی های «مجلس ملی دوره گذار» نمایندگان ۲۱ حزب سیاسی، ۲۱ نماینده از استان ها و مناطق مختلف کشور، ۱۰ نماینده قبایل، ۱۰ نماینده ساختارهای جامعه مدنی و از جمله اتحادیه های کارگری و سازمان های زنان، ۸ شخصیت مستقل

و ۱۱ تن نمایندگان اقلیت های ملی و از جمله ترکمن ها و آسوری ها.. حضور دارند. موفقیت نیروهای دموکراتیک به کنترل بیش از ۵۰ درصد لیست مصوب کنفرانس گرایش اصلی را نشان می دهد. همچنین اسامی ۲۲ زن در لیست مصوب کنفرانس قرار دارد که به همراه سه عضو زن شورای حکومتی سابق، یک چهارم کرسی های مجلس را در کنترل خواهند داشت. حضور ۴ عضو برجسته حزب کمونیست عراق و از جمله رفیق حمید موسی، رفیق کمال شاکر (رهبر حزب کمونیست کردستان-عراق، رفیق حیات الجواهری و رفیق حکمت حکیم به عنوان نمایندگان رسمی حزب برادر در مجلس نمایشگر نقش موثر سیاسی آن در این مرحله بغرنج حیات سیاسی کشور عراق می باشد. بی شک حضور سیاسی وسیعتر کمونیست های عراقی از طریق نمایندگان ساختار های مدنی نیز در مجلس تامین خواهد شد.

در طول چهار روز جریان کنفرانس، نمایندگان با شرکت فعال در چهار کمیسیون در رابطه با گزارش سیاسی، حقوق بشر، جامعه مدنی و وضعیت امنیتی در کشور عمده ترین مسایل مطرح را به بحث گذاشتند. کنفرانس عملاً به عرصه تکوین، تحول و تکامل یک گرایش قدرتمند دموکراتیک و مدنی در تقابل با ادامه اشغال و اشغالگری از یکسو و نیروهای ارتجاعی و بنیادگرایان مذهبی از سوی دیگر بدل شد. در ادامه بحث های روز اول هیئتی به نمایندگی از سوی کنفرانس ملی عراق با پیشنهاد مشخصی برای جلوگیری از ادامه خونریزی در نجف به این شهر گسیل شد. رهبری این هیئت را که محور پیشنهاد های آن خاتمه درگیری ها، انحلال همه گروه های شبه نظامی و میلیشیا، تسلیم سلاح و وسایل نظامی، خاتمه اشغال اماکن مقدس در نجف و پیوستن به روند سیاسی در کشور بود را روحانی شیعه، حسین صدر، که از وابستگان دور مقتدی صدر می باشد، به عهده داشت. این ابتکار کنفرانس که مستقل از دولت ایاد علاوی و نیروهای اشغالگر شکل گرفت، و اثر مثبت آن در روند تحولات بعدی در هفته های اخیر، از طریق ایجاد شرایط مذاکره موفقیت آمیز بین آیت الله سیستانی و مقتدی صدر به منظور خاتمه بحران در نجف، ادامه یافت را باید نتیجه مثبت روند سیاسی مورد حمایت نیروهای مترقی عراق دانست. کنفرانس ملی نیروهای سیاسی عراق به این نتیجه رسیدند که در شرایط کنونی و در شرایط موازنه حاضر قدرت در منطقه و جهان، در مقابل راه حل نظامی که در شرایط کنونی به نفع استمرار اشغال می باشد، گزینه های موثر دیگری نیز وجود دارد. نیروهای سیاسی مترقی عراق بر این باورند که باید با اعتقاد به آینده مستقل و دموکراتیک کشور، بر پایه بسیج وسیع مردم و زحماتشان، و تعهد به ادامه مبارزه ترقی خواهانه تا هدف نهایی این گزینه ها را به خدمت گرفت.

شرکت حزب توده ایران در جشنواره کمونیست

جشنواره کمونیست، نشریه ارگان مرکزی حزب کمونیست دانمارک مطابق رسم همه ساله در روزهای ۲۱ و ۲۲ ماه آگوست در شهر کپنهاگ برگزار شد. طی ۲ روز، مراسم و سخنرانی های گوناگونی پیرامون مسایل داخلی و خارجی کشور دانمارک در جشنواره سازمان داده شده بود که با استقبال وسیع به ویژه از سوی جوانان رو به رو گردید.

حزب توده ایران در این جشنواره در غرفه نامه مردم حضور و شرکت گسترده داشت. مطبوعات حزب مانند نامه مردم ارگان مرکزی حزب، مجله دنیا نشریه ثئوریک-سیاسی کمیته مرکزی، مجموعه اسناد کنگره پنجم، کنگره ارانی و نیز اعلامیه ها و تراکتهای تبلیغی به دو زبان فارسی و دانمارکی در معرض دید شرکت کنندگان قرار داشت. همچنین غرفه حزب مورد توجه بازدید کنندگان قرار گرفت و نظرات حزب پیرامون مسایل ایران، منطقه و جهان ارایه می گردید.

کنفرانس ملی عراق

مبارزه بغرنج سیاسی مردم عراق و نیروهای مترقی و مردمی این کشور که در شرایط بسیار دشوار، بویژه از نظر امنیتی، در جریان است، در جریان کنفرانس ملی که در هفته آخر مردادماه به مدت چهار روز در بغداد در جریان داشت، به قضاوت افکار عمومی جهان گذاشته شد.

برگزاری کنفرانس ملی نیروهای سیاسی عراق از سوی اکثر تحلیل گران جدی به عنوان قدمی مهم در جهت پیشبرد روند سیاسی در این کشور تلقی گشت. اهمیت کنفرانس که شش هفته پس از «انتقال قدرت» از سوی نیروهای اشغالگر انجام می گرفت، هم ناشی از مصادف بودن آن با اوجگیری دور جدیدی از برخورد های نظامی بین نیروهای اشغالگر از طرفی و نیروهای اسلامی افراطی وابسته به مقتدی صدر در نجف و کوفه و هم به لحاظ شرکت وسیع ترین طیف نیروهای سیاسی عراق در آن و برخی مصوبات با اهمیت کنفرانس بود. کنفرانس ملی عراق بخشی از روند سیاسی در نظر گرفته شده در مرحله گذار (تا ۱۰ دی ماه) یعنی هنگامی که انتخابات مستقیم و سراسری برای مجلس شورای ملی برگزار خواهد شد، که به نوبه خود قانون اساسی دائمی عراق را تدوین و تصویب خواهد کرد.

کنفرانس در اساس قرار بود که تا قبل از ۱۰ مردادماه برگزار شود، ولیکن به درخواست سازمان ملل که خواستار وقت بیشتری برای متقاعد کردن برخی گروه ها (از جمله نیروهای سیاسی وابسته به مقتدی صدر و همچنین کمیته روحانیون مسلمان) به تغییر موضع و شرکت در کنفرانس، شروع آن دو هفته به تاخیر افتاد. به پیشنهاد سازمان ملل بیش از ۳۰۰ نماینده از نیروهای مذهبی، اقلیت های ملی و شخصیت های مستقل به کنفرانس دعوت گردید. جالب است اشاره شود که گرچه مقتدی الصدر بطور رسمی خواست بایکوت کنفرانس را مطرح کرده بود، ولیکن برخی نمایندگان او و از جمله علی الیاسری، مشاور عالی او در بغداد، در مباحث و تصمیم گیری های کنفرانس شرکت رسمی داشتند.

موفقیت نیرو های مترقی عراق و از جمله حزب کمونیست در برگزاری کنفرانس این نگرانی را که نیروهای ارتجاعی سعی خواهند کرد که با مانع تراشی و بهانه گیری های تصنعی کنفرانس را به تاخیر انداخته و در عمل امکان ادامه شرایط کنونی و حفظ موقعیت های ویژه خود در سیستم سیاسی موجود را فراهم کنند، منتفی کرد. پلاتفرم متحد نیروهای مترقی عراق بر این باور متکی است که ادامه و رشد روند سیاسی و کوشش هایی که به منظور اعاده حاکمیت کامل و استقرار یک دولت دموکراتیک انتخابی بر پایه یک قانون اساسی همیشگی، ولذا مشروع، صورت می گیرد، در صورت تداوم موفقیت آمیز، عملاً عملکرد نهاد های منبعث از اشغال و اشغالگران را غیرممکن خواهد کرد.

حزب کمونیست عراق بطور رسمی از طریق عضویت دبیر کمیته مرکزی آن در کمیته عالی تدارکاتی کنفرانس ملی حضور داشت. رفیق حمید موسی همچنین مسئولیت کمیسیون ویژه تدوین پیش نویس یک گزارش سیاسی یرای ارائه به کنفرانس را به عهده داشت.

حزب کمونیست عراق فعالانه در تدارک کنفرانس که به تحلیل آن «پلاتفرمی مهم برای دیالوگ ملی، تمرین پروسه دموکراسی، تقویت نهاد های مردمی و تدارک زمینه انتخابات آینده در دی ماه» بود، شرکت نمود. نمایندگان حزب کمونیست ضمن عضویت در دبیرخانه کنفرانس همچنین حضور چشم گیری در اداره بحث ها در جلسات اصلی کنفرانس و کمیسیون های چهارگانه سیاسی آن داشتند. سازمان های حزب با شرکت در تنظیم و انتخاب لیست های دموکراتیک و دربر دارنده گرایش های مختلف نمایندگان در کنفرانس های منطقه ای، تاثیر عمده ای بر جریان این حادثه مهم سیاسی عراق داشتند.

محافل ارتجاعی، وابستگان به نیروهای وابسته به سیا و پنتاگون و برخی کشورهای همسایه عراق و از جمله جمهوری اسلامی کوشش های توقف ناپذیر خود برای کم رنگ کردن و به حاشیه راندن احزاب سیاسی متشکل را در پشت پرده ادامه دادند. حزب کمونیست عراق با تکیه و اصرار بر اهمیت تشکیل موفق کنفرانسی که دربر دارنده نمایندگان وسیعترین طیف نیروهای سیاسی و اجتماعی عراق باشد، با مسئولیت و در صفحات روزنامه ارگان رسمی خود، «طریق الشعب»، ضمن افشاگری در مورد نواقص و کمبودها، ضرورت شرکت فعال جنبش کارگری را در این کنفرانس به مثابه قدمی مهم در جهت انتخابات دی ماه مورد توجه قرار داده بود. «طریق الشعب» بطور صریح تخلف ها و نقایص پروسه انتخاب نمایندگان کنفرانس ها از مناطق را افشا نمود. به طور مثال در بصره و ناصریه نیروهای اسلامی سعی کرده بودند که از طریق دست کاری در مکانیزم های انتخابات، ممانعت از شرکت نیروهای «غیر خودی» و بکار گیری حیلت های دیگر کنترل کنفرانس های منطقه ای را در دست بگیرند. افشاء چنین کوشش های رسوایی در عمل به ایجاد جو یگپارچه مقاومت در مقابل افراطیون اسلامی دامن زد. مخالفت فعال نیروهای دموکراتیک (از جمله سازمان های مدافع جامعه مدنی، زنان و روشنفکران) با تقلبات و تخلف ها در پروسه که به اشکال مختلف و از جمله بایکوت پروسه و شکایت به «کمیته عالی تدارکاتی» و مجبور کردن آن به

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

یکتا نوری از ایران ۵۰ یورو
الف. فنی. از سوئد ۵۰۰ کرون
به یاد همه قربانیان جنایات رژیم ۳۰۰ پوند

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 694
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

31 August 2004

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e.V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse